

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۰ اگست ۲۰۱۹

ظریف نماینده حکومت ده‌ها هزار اعدام، سنگسار و ترور

باز هم به ستمک‌هلم می‌آید!

بار دیگر قرار است محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه حکومت اسلامی ایران، این نماینده رسمی حکومت تبهکار اسلامی، حکومت ده‌ها هزار اعدام، سنگسار، ترور، حکومت زن‌ستیز، آزادی‌ستیز، کودک‌آزار، جنگ‌طلب و آدم‌کش، به‌دعوت رسمی دولت سوئد در روزهای ۲۰ و ۲۱ اوت ۲۰۱۹، به ستمک‌هلم می‌آید تا بر سر سفره خونین مشترک بنشینند. همچنین قرار است ظریف در سفارتخانه‌شان در ستمک‌هلم، در این مرکز جاسوسی و ترور، سفره خونین دیگری برای برخی از ایرانی‌ها پهن کند. هرگونه همکاری نهان و آشکار با حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی ایران، مورد انزجار افکار عمومی مترقی و آگاه مردم ایران، سوئد و جهان است. هیچ توجیه و عذر و بهانه دولت سوئد، در رابطه با دعوت از این نماینده حکومت اسلامی جنگ‌طلب و آدم‌کش ایران، نه تنها پذیرفتنی نیست، بلکه باید این دیپلماسی شرم‌آور و چندهش‌آور را شدیداً محکوم کرد!

وظیفه آگاهانه و داوطلبانه هر نیرو و فرد آزادی‌خواه و برابری‌طلب است که در اعتراضات این دو روز فعالانه شرکت کند.

چهل سال است حکومت اسلامی ایران، همچنان مخالفین خود را اعدام و ترور می‌کند و اکثریت مردم ایران را به لحاظ اقتصادی و تامین نیازهای زندگی و معیشت‌شان زمین گیر کرده است. این حکومت چهل سال است به‌طور سیستماتیک زنان را سرکوب می‌کند و ...

حکومت اسلامی ایران، یکی از حکومت‌های هار و آدم‌کش سرمایه‌داری عصر حاضر است. حکومت‌هایی که منافع‌شان بیش از پیش در هم تنیده شده و آن‌ها برای حفظ و گسترش منافع و حاکمیت‌شان به هر ترفند و جنایتی متوسل می‌شوند. از این‌رو، منافع دولت‌های سرمایه‌داری جهان، از نوع و مدل دموکراتیک مانند دولت سوئد تا دولت‌های مستبد و دیکتاتوری همچون حکومت اسلامی ایران، آن‌چنان مشترک است که بر هر جنایتی چشم خود را می‌بندند تا این منافع سرمایه‌داری‌شان حفظ شود. (دو مقاله ای که در زیر این مطلب آمده است این سابقه را به‌خوبی توضیح داده‌اند).

در چنین شرایطی، هر موقع حکومت اسلامی ایران از سوی جوامع جهانی و رقابیش در تنگنا قرار گرفته دولت سوئد به‌مثابه دلال سیاسی و اقتصادی، وارد صحنه شده و زیر پای نمایندگان حکومت ده‌ها هزار اعدام، سنگسار، ترور، زن‌ستیز، آزادی‌ستیز، متجاوز و غارتگر فرش قرمز پهن کرده است بدون این که ذره‌ای شرم داشته باشد.

حکومتی که پدرخوانده همه گروه‌های تروریستی جهان است اکنون نماینده آن، مهمان دولتی است که مدعی مدافع حقوق بشر است! خمینی بینان‌گذار حکومت اسلامی، شاید تنها سردمدار حکومت جهان باشد که به تروریسم دولتی رسمیت و علنیت داد؛ او نه تنها فتوای قتل مخالفین سیاسی، فرهنگی و هنری خود را صادر کرد، او نه تنها فرمان کشتار هزاران زندانی سیاسی را در همین ایام در سال ۱۳۶۷ صادر کرد، بلکه فتوای قتل سلمان رشدی نویسنده ساکن لندن را نیز به دلیل نوشتن رمان آیه‌های شیطانی صادر کرد.

سی سال پیش، وقتی سلمان رشدی، نویسنده بریتانیایی هندی‌تبار رمان «آیه‌های شیطانی» را نوشت خمینی فتوای قتل او را صادر کرد.

چندماه پس از انتشار کتاب آیات شیطانی، آیت‌الله خمینی رهبر وقت حکومت اسلامی در فتوایی که در روز ۲۵ بهمن ماه ۱۳۶۷ - ۱۴ فوریه ۱۹۸۸ صادر کرد چنین حکم کرد: «به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مولف کتاب آیات شیطانی که علیه اسلام و پیامبر و قرآن تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشران مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند.»

خمینی در این حکم، همچنین تاکید کرده بود: «از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است ان‌شاءالله.»

به‌دنبال صدور این فتوا، بنیاد ۱۵ خرداد جوایزی برای کسی یا کسانی که بتوانند این فتوا را عملی کنند، تعیین کرد و در چند مرحله آن را افزایش داد که در نهایت به ۲/۸ میلیون دالر رسید.

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران خبر از تخصیص یک جایزه ۱۵۰ هزار دالری برای مجری حکم اعدام سلمان رشدی داد. این جایزه توسط گروهی تحت عنوان «ستاد پاس‌داشت شهادت نهضت جهانی اسلام» تعیین شده است. این ستاد در سال ۲۰۰۴ - ۱۳۸۳، جایزه ۱۰۰ هزار دالری برای عامل اجرای این حکم تعیین کرده بود که با اعطای نشان شوالیه به این نویسنده مشهور آن را به ۱۵۰ هزار دالر افزایش داده است.

برخی از رسانه‌ها در ایران خبر از حداقل یک کوشش نافرجام برای ترور سلمان رشدی داده بودند، اما این امر هیچ‌گاه مورد تأیید دولت ایران یا مقامات امنیتی دولت بریتانیا قرار نگرفت.



کتاب‌فروشی‌هایی در بریتانیا و آمریکا به دلیل فروش کتاب تهدید شده و یا مورد حمله قرار گرفتند و برخی دیگر نیز در هراس از حملات احتمالی، این کتاب را از قفسه‌های خود جمع کردند.

هفتم مارس ۱۹۸۹، دولت بریتانیا در اعتراض به صدور فتوای قتل رشدی توسط آیت‌الله خمینی روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع کرد.

جوایز بسیاری از سوی نهادها، سازمان‌ها و سرمایه‌داران در کشورهای اسلامی برای اجرای فرمان قتل رشدی تعیین شد.

سال بعد مترجم ژاپنی کتاب وی به قتل رسید و مترجم ایتالیائی آیات شیطانی به سختی مجروح شد و در سال ۱۹۹۳ ناشر نروژی آیات شیطانی مورد حمله قرار گرفت و به شدت مجروح شد.

بنیاد پانزده خرداد جایزه برای قاتل رشدی را به ۶۰۰ هزار دالر افزایش داد، این بنیاد این جایزه را در چندین مرحله افزایش داد و در سال ۱۹۹۹ مبلغ آن را به ۲/۸ میلیون دالر رساند.

بعد از آن که سلمان رشدی گفت به خاطر مرگ شماری از معترضان عمیقاً متأسف است، آیت‌الله خمینی تأکید کرد توبه و عذرخواهی هیچ فایده‌ای ندارد و فتوا باید اجرا شود. در پیام او آمده بود: «سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد، بر هر مسلمان واجب است جان و مال خود را به کار گیرد تا او را به درک واصل گرداند.»

پولیس بریتانیا بلافاصله پس از این فتوا شدیدترین تدابیر امنیتی را برای سلمان رشدی در نظر گرفت. این نویسنده در شش ماه اول بعد از فتوا، ۵۶ بار محل سکونت خود را تغییر داد و تا سال ۲۰۰۲ به مدت سیزده سال مخفیانه زندگی کرد.

در همان ماه‌های اول پس از فتوا، جوانی لبنانی که قصد داشت سلمان رشدی را بکشد، هنگام ساخت بمب در هتلی در لندن کشته شد. در ایران بر اساس همان فتوای آیت‌الله خمینی به او لقب «شهید» دادند.

در ژوئیه ۱۹۹۱ مترجم ایتالیائی «آیه‌های شیطانی» در یک حمله شدیداً زخمی شد. پس از او، مترجم ژاپنی این رمان به قتل رسید. در ۱۹۹۳، ناشر نروژی کتاب، در یک حمله مسلحانه شدیداً زخمی شد و در همان سال، مترجم ترک «آیه‌های شیطانی» عزیز نسین، از یک آتش‌سوزی عمدی جان سالم به در برد. در این آتش‌سوزی در شهر سیواس، سی و هفت نفر از نویسندگان، هنرمندان و دانشجویان که برای شرکت در جشنواره عاشیق‌لار در هتل مادیماک اقامت گزیده بودند زنده‌زنده در آتش سوختند.

اما این فقط تلفات جانی فتوا بود. حکم مرگ سلمان رشدی، هزینه‌های فکری و معنوی هم داشت.

حنیف قریشی، نویسنده و از دوستان سلمان رشدی معتقد است که هیچ‌کس امروز «جرات ندارد» کتابی مثل آیه‌های شیطانی بنویسد و ترسان‌تر از آن، منتشر کند.

همچنین به عقیده سلیل تریپاهی، نویسنده هندی و رئیس کمیته نویسندگان زندانی انجمن بین‌المللی قلم، جنجال آیه‌های شیطانی «ترمزی ذهنی» برای سخن گفتن از اسلام ایجاد کرد. ناشران نیز پس از این رخداد برای چاپ چنین کتاب‌هایی احتیاط می‌کنند.

با این حال و در گذر زمان، برای سلمان رشدی روند خلق ادبی متوقف نشد، او در اواخر دهه نود به امریکا مهاجرت کرد و در سال ۲۰۱۶ ملیت امریکائی گرفت.

سلمان رشدی چند ماه پیش وقتی به فرانسه سفر کرده بود، گفت: «سی سال گذشت، اکنون همه چیز خوب است، من آن زمان ۴۱ ساله بودم و الان ۷۱ سال دارم. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که موضوع‌های مورد نگرانی خیلی زود تغییر می‌کند، از این به بعد، دلایل دیگری برای ترسیدن وجود دارد، آدم‌های دیگری برای کشتن ...»

برخی مراجع تقلیدی مانند فاضل لنکرانی و نوری همدانی و ارگان‌هایی چون سپاه پاسداران و بنیاد شهید بر تغییر ناپذیر بودن این فتوا تأکید کرده‌اند. آیت‌الله علی خامنه‌ای، نیز چندین بار اعلام کرده که فتوای آیت‌الله خمینی پابرجا می‌ماند و سلمان رشدی «مرتد مهدور الدم» است.

این فتوای آیت‌الله خمینی در دوران پس از قرون وسطی، از هر نظر بی‌سابقه بود. بدن ترتیب، خمینی تروریسم دولتی را در جهان رسمین و علنیت داد.

پیش زمینه‌های کشتار بی‌رحمانه زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ را از پیش تدارک دیده و برای اجرای آن به انتظار فرصت نشسته بودند. این کشتار وحشیانه که يك نسل‌کشی آشکار بود و به‌دستور خمینی انجام گرفت از سال‌ها قبل فراهم شده بود، از روزهای نخستین مرداد ماه يك قتل عام سراسری و سری از زندانیان سیاسی به راه انداختند و تا چند ماه بعد ادامه یافت. هدف اصلی این کشتار از بین بردن همه زندانیان سیاسی و خالی کردن جامعه ایران از کادرهای سیاسی دوران پرتلاطم انقلاب خود بود. زندانیانی که طی سالیان مقاومت قهرمانانه خود بی‌نظیری از خود نشان داده بودند. آن‌ها با تحمل تمامی سختی‌ها و شکنجه‌های قرون وسطانی، دست از مقاومت و فداکاری برنداشته بودند.

در این ایام سپاه هیأت‌های مرگ خمینی مرکب از عناصر وزارت اطلاعات، دادستانی وقت و مسؤولان زندان‌ها با تمهیدات و تدابیر شدید امنیتی، اجرای طرحی را که ماه‌ها و شاید هم سال‌ها پیش در نظر داشتند و از چند ماه قبل از مرداد تدارکش را دیده و مقدماتش را آماده کرده بودند به‌طور متمرکز آغاز کردند. آنان در به اصطلاح محاکمه‌هایی که چند دقیقه‌ای بیش‌تر به درازا نمی‌کشید حکم اعدام آن‌ها را صادر کردند.

این کشتار فجیع و بی‌سابقه با حکم کتبی، دستورهای روزانه و نظارت مستقیم شخص خمینی صورت گرفت و همه جناح‌های کنونی حکومت اسلامی ایران از اصلاح‌طلب تا اصول‌گرا در آن کشتار و در همه کشتارهای دهه شصت سهیم بودند.

در این کشتار، هیچ خانواده‌ای ردی از فرزند یا عزیز دربندش پیدا نکرد. ظرف کمتر از ۲ ماه، هزاران زندانی را قتل‌عام کردند. رقم اعدام شدگان از چهار هزار نفر تا سی هزار نفر در نوسان است و هیچ‌کس رقم واقعی آن را نمی‌داند.

از عصر ۵ مرداد ۱۳۶۷، درب‌های زندان‌های اصلی بسته شد و کلیه ارتباطات با خارج از زندان، حتی تلفن‌ها قطع گردید. تمامی زندانیان کمیته مشترک نیز به اوین منتقل شدند. در اوین منع کامل رفت‌وآمد برقرار شد. کلیه ملاقات‌ها از قبل قطع شده بود. محل بی‌دادگاه از دادسرا به بند ۲۰۹ و در نزدیکی محل حلق‌آویز کردن قربانیان منتقل گردید. ماه‌ها و سال‌ها بعد با درز اطلاعات و کشف گورهای دسته‌جمعی در این‌جا و آن‌جا، بعضی از خانواده‌ها رد عزیزان خود را از لابلاي قطعات اجساد و سنگ و کلوخ قبرستان‌ها و گورهای جمعی پیدا کردند.

محمدجواد ظریف، یک عنصر جانی حکومت اسلامی همانند همه جانیان هم فکرش در حلقه رهبری، سپاه، بسیج، وزارت اطلاعات، مجلس، قوه قضائیه، مقننه، مجریه و سپاه جهل و جنایت و ترور است. ظریف فعالیت خود در حکومت اسلامی را از در وزارت امور خارجه حکومت اسلامی آغاز کرده و سال‌ها در دفتر نمایندگی حکومت اسلامی ایران در سازمان ملل کار کرده و هنگامی که کمال خرازی نماینده دائم ایران در سازمان ملل بود، سفیر و یکی از معاونان او بود.

او همچنین سابقه معاونت وزارت امور خارجه را در زمان وزارت علی اکبر ولایتی و کمال خرازی دارد. هم‌اکنون علی اکبر ولایتی نماینده همه کاره رهبر حکومت اسلامی خامنه‌ای در امور بین‌الملل است و ده‌ها شغل حکومتی دیگر نیز دارد. دادگاه میکنونوس ولایتی، خامنه‌ای، رفسنجانی و فلاحی را به عنوان عاملان اصلی ترور میکنونوس معرفی نمود. احکام دادگاه رسیدگی به پرونده ترور میکنونوس در برلین در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۷۶ صادر شد. در رای دادگاه علاوه بر تعیین مجازات افرادی که به‌طور مستقیم در عملیات ترور شرکت‌داشتند، مقام‌های تراز اول حکومت اسلامی ایران نیز به‌دست داشتن در قتل مخالفان خود در خارج از کشور متهم شده و به‌خاطر تروریسم دولتی توسط دادگاه میکنونوس محکوم شدند.

دادگاه عالی برلین به‌طور رسمی از آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی، اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت، علی‌اکبر ولایتی، وزیر وقت امور خارجه و علی فلاحیان وزیر وقت اطلاعات نام برده و آن‌ها را به دلیل صدور دستور ترور میکونوس محکوم کرد.



بنابراین، ظریف به‌عنوان شاگرد ولایتی، سال‌هاست که تهدیدها و ترورهای خارج کشور زیر نظر مستقیم ظریف توسط تروریست‌های حکومت اسلامی و سپاه قدس به فرماندهی قاسم سلیمانی صورت می‌گیرد. ظریف در دوره ریاست جمهوری شیخ محمد خاتمی، پس از هادی نژادحسینیان، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل شد و تا دو سال پس از روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد این سمت را در اختیار داشت. ظریف از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱، سفیر و نماینده ایران در سازمان ملل بود، سپس ۱۰ سال در سازمان ملل معاونت حقوقی و بین‌المللی وزارت خارجه بود.

او از سال ۸۱ تا ۸۶ برای بار دوم سفیر ایران در سازمان ملل شد و از سال ۸۶ تا ۸۹ دستیار ارشد وزیر امور خارجه بود و بعد از آن در دانشگاه آزاد معاون بین‌الملل این دانشگاه را مدیریت می‌کرد. او زمانی که شیخ حسن روحانی به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت سرپرست تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای بود به مدت دو سال نیز عضو این تیم بود. سابقه همکاری حسن روحانی و ظریف به مذاکرات پایان جنگ ایران و عراق در دهه ۱۳۶۰ باز می‌گردد.

پرونده تروریسم دولتی حکومتی اسلامی ایران، در دو سال اخیر، مجدداً از سوی شش کشور اروپائی باز شده است. حکومت اسلامی و وزات خارجه آن به ریاست ظریف، در شش کشور اروپائی دانمارک، هلند، بلژیک، فرانسه، آلمان و آلبانی، در هر یک به‌شکلی، متهم به اقدامات تروریستی یا تلاش برای چنین اقداماتی شده است.

دست داشتن در قتل علی معتمد و احمد انیسی در هلند، برنامه‌ریزی برای بمب‌گذاری در نشست سازمان مجاهدین خلق در پاریس و تلاش برای ترور حبیب جبر در دانمارک، از جمله اتهامات ایران در اروپا است. از احمد انیسی به‌عنوان موسس و رهبر «جنبش آزادی‌بخش الاحواز» یاد می‌شود و حبیب جبر نیز از دیگر رهبران همین سازمان است. گفته می‌شود که علی معتمد نیز همان محمدرضا کلاهی صمدی، عضو سازمان مجاهدین خلق و عامل اصلی انفجار ساختمان حزب حکومت اسلامی در سال ۱۳۶۰ است. همچنین آلمان مدتی پیش فردی را که متهم به جاسوسی و دادن اطلاعات ارتش این کشور به حکومت اسلامی است، دستگیر کرد.

در ماه‌های گذشته برخی کشورهای اروپائی چندین دیپلمات ایرانی را از خاک خود اخراج کرده و اسدالله اسدی، از کارکنان سفارت ایران در اتریش، پس از بازداشت در آلمان به بلژیک منتقل شده است. در این میان، سفیر ایران در آلبانی یکی از اخراج‌شدگان بود.

در پی این اتهامات بود که اتحادیه اروپا مجازات‌هایی را علیه حکومت اسلامی اعمال کرد و بخشی از وزارت اطلاعات ایران و دو شخصیت حقیقی، اسدالله اسدی و سعید هاشمی مقدم، را در فهرست تحریم‌های خود قرار داد. اندک‌زمانی پیش از اعلام این تحریم‌ها، «منابع آگاه ایرانی» از «نشستی محرمانه» میان دیپلمات‌های ایرانی و اروپایی در وزارت خارجه ایران خبر داده بودند. به گزارش رویترز با استناد به «چهار دیپلمات»، دیپلمات‌های فرانسه، بریتانیا، آلمان، دانمارک، هلند و بلژیک که در این نشست شرکت داشته‌اند، به مقام‌های ایرانی گفته‌اند که «دیگر نمی‌توانند» آزمایش‌های موشکی و نیز اقدامات حکومت اسلامی برای ترور مخالفانش در خاک اروپا را «تحمل» کنند.

روزنامه دولتی «ایران» نیز ۳۰ دی‌ماه سال گذشته به نقل از یک «منبع آگاه» ایرانی نوشته بود که این دیپلمات‌ها «بدون اعلام قبلی» به دفتر عباس عراقچی، معاون وزارت خارجه ایران رفته‌اند. به گفته این منبع، «برخلاف انتظارات که گمان می‌رفت دلیل حضور سرزده آن‌ها توضیحاتی پیرامون دلایل تاخیر اروپا برای تامین خواسته‌های ایران در چارچوب برجام باشد»، آن‌ها در این نشست از فعالیت‌های موشکی ایران انتقاد کرده‌اند. به گزارش روزنامه ایران، عراقچی هم ختم جلسه را با گفتن این‌که «دیدار تمام است» اعلام می‌کند و «سپس از جلسه خارج شده و در را محکم می‌بندد و می‌رود.» به نوشته این روزنامه دولتی، یک روز پس از این جلسه اتحادیه اروپا نام دو ایرانی را در فهرست تحریم‌های خود قرار می‌دهد.



پذیرائی گرم دولت سویدن و دلک‌بازی وزیر ایران‌تبار آن در سفر قبلی ظریف به این کشور و خنده‌هایشان، مانند خنجر بر قلب مادران داغ‌دیده و مردم ستم‌دیده ایران فرو رفته است و فراموش نخواهد شد. حکومت اسلامی ایران، چهل سال است ایران را به زندان بزرگی برای اکثریت شهروندانش تبدیل کرده و در این زندان بزرگ نیز انواع و اقسام زندان‌های مخوف علنی و مخفی وجود دارد که هر روز و هر دقیقه در و دیوار آن‌ها، شاهد شکنجه هولناک زندانیان و فریاد آن‌ها و تجاوز و کشتن آن‌ها توسط شکنجه‌گران حکومت اسلامی بوده است.

حذف فیزیکی مخالفان در خارج از مرزهای ایران، کماکان یکی از سیاست‌ها مداوم حکومت اسلامی آن، به‌ویژه توسط سپاه قدس، وزارت اطلاعات و وزارت خارجه حکومت اسلامی ایران به ریاست ظریف است.

پس از طرح اتهام علیه حکومت اسلامی مبنی بر تلاش برای ترور مخالفان خود در خاک دانمارک، آندرس سامونلسن، وزیر خارجه این کشور، ضمن اعلام فراخواندن سفیر خود از تهران گفت که با «همپیمانان و متحدان» دانمارک، از جمله اتحادیه اروپا، در حال مذاکره بر سر اعمال تحریم‌های احتمالی علیه تهران است.

اندک‌زمانی پس از سخنان وزیر خارجه دانمارک نیز لارس راسموسن، نخست‌وزیر این کشور که در چارچوب نشست رهبران شمال اروپا در اسلو با ترزا می، همتای بریتانیایی خود، ملاقات کرده بود، از خانم می به خاطر حمایت از

مواضع کشورش قدردانی کرد و گفت: «ما در همکاری تنگاتنگ با بریتانیا و دیگر کشورها در مقابل ایران خواهیم ایستاد.»

دنمارک روز سه‌شنبه هشتم آبان سال گذشته، حکومت اسلامی را متهم کرد که قصد حمله به سه ایرانی ساکن این کشور، از جمله حبیب جبر، فعال عرب را داشته است. وزیر خارجه دنمارک ضمن اعلام فراخواندن سفیر این کشور در تهران گفت: «دنمارک به هیچ وجه نمی‌تواند بپذیرد که افرادی که در ارتباط با سرویس اطلاعاتی ایران هستند نقشه حمله به افرادی دیگر را در دنمارک بریزند.»

به‌گفته آندرس ساموئلسن، در جریان احضار مرتضی مرادیان، سفیر ایران در کپنهاگ، به او «خیلی شفاف» گفته شده است که «این مسأله تا چه اندازه مهم و غیرقابل توصیف است». ساموئلسن هم‌زمان برنامه‌ریزی نیروهای اطلاعاتی ایران در خاک کشور خود را «مطلقاً غیر قابل قبول» خواند و افزود که خواستار اعمال تحریم‌های جدید اتحادیه اروپا علیه حکومت اسلامی است.

اندک‌زمانی پیش از این، فین بورخ اندرسن، رئیس سرویس اطلاعاتی دنمارک، گفته بود که به باور این نهاد امنیتی، «سرویس اطلاعاتی ایران» طراح حمله‌ای علیه سه ایرانی در این کشور بوده که گمان می‌رود از فعالان سازمان الاحوازیه (جنبش مبارزه عربی برای آزادی اهواز) باشند. اندرسن گفته است که سرویس‌های امنیتی نروژ و سویدن نیز در رابطه با این پرونده با دنمارک همکاری داشته‌اند.

به‌گفته سرویس اطلاعاتی دنمارک، یک نروژی ایرانی‌تبار روز ۲۱ اکتبر گذشته به اتهام طراحی حمله و جاسوسی برای ایران بازداشت شده و اکنون در حبس به‌سر می‌برد. به‌گفته سرویس امنیتی سویدن، این متهم که هویت او هنوز فاش نشده، در سویدن بازداشت شده است.

درخواست دنمارک از اتحادیه اروپا برای بررسی اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران، اینک «پرونده ترور» حکومت اسلامی در کشورهای اروپایی را عملاً در دستور کار بروکسل قرار داده است. در همین رابطه یک سخنگوی فدریکا موگرینی، مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، به روزنامه «وال استریت ژورنال» گفته است: «ما در این مرحله حوادث را رصد می‌کنیم و برای گرفتن اطلاعات بیشتر در تماس با نهادهای (دنمارک) هستیم.»

در این میان، افزون بر مدارک مستند مورد ادعای دنمارک، عوامل دیگری نیز وجود دارند که ظن دست داشتن احتمالی نیروهای وابسته به حکومت اسلامی در برنامه‌ریزی برای ترور مخالفانش در آن کشور را تقویت کرده و در نگاه اول اتهام کپنهاک علیه تهران را توجیه‌پذیر نشان می‌دهند.

وزارت خارجه حکومت اسلامی ایران روز ۳۱ شهریورماه گذشته، در پی حمله به مراسم رژه نظامی در اهواز که در جریان آن دست‌کم ۲۴ نفر کشته شدند، ضمن اعتراض به دنمارک و هالند، این کشورها را متهم کرد که به «برخی» از کسانی که آن‌ها را «اعضای گروهک‌های تروریستی مزدور مسبب جنایت اهواز» خواند، پناه داده‌اند. بریتانیا نیز در اعتراض مشابهی هدف انتقاد حکومت اسلامی قرار گرفته بود.

اما هم‌زمان گروه تروریستی «دولت اسلامی» (داعش) نیز مسؤولیت این حمله را پذیرفت و فیلمی نیز از این عملیات منتشر کرد.

در این میان، تهدید برخی نهادهای نظامی و چهره‌های با نفوذ حکومت اسلامی به انتقام‌گیری از عاملان حمله اهواز بود. گرچه سپاه پاسداران با حمله موشکی به «مقر عاملان حمله اهواز» در سوریه در نخستین ساعات بامداد نهم مهرماه، ادعای داعش در مسؤولیت حمله تروریستی به مراسم رژه نظامی را عملاً پذیرفت، اما اعتراض حکومت

اسلامی به دنمارک، هالند و بریتانیا نشان می‌داد که حکومت اسلامی همواره به دنبال فرصت، بهانه و توجیهاتی است تا ماشین ترور خود را علیه اپوزیسیون راه بیندازد.

بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه ایران، پس از حمله اهواز، با اعلام خبر احضار کاردار موقت سفارت بریتانیا در تهران در غیاب سفیر این کشور، گفته بود که به او «تاکید» شده است: «از نظر جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه پذیرفتنی نیست که سخنگوی گروهک مزدور الاحوازی اجازه یابد مسؤولیت این اقدام تروریستی را از طریق یک شبکه تلویزیونی مستقر در لندن اعلام کند.»

در حالی که مقام‌های حکومت ایران، به‌خصوص امریکا و عربستان سعودی را به نقش‌آفرینی در حمله اهواز متهم کردند، مقام‌های نظامی همچون محمد حسین باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، به‌شکلی صریح‌تر «حق پاسخ کوبنده» برای حکومت اسلامی را «در هر زمان و مکان محفوظ» دانستند. سپاه پاسداران نیز با انتشار بیانیهای اعلام کرد که «در آینده نزدیک» از «سرکردگان و هدایت‌گران» این حادثه «انتقام مهلک و فراموش‌ناشدنی» گرفته خواهد شد. حسین شریعتمداری، این شکنجه‌گر سابق زندان اوین و نماینده کنونی علی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی در موسسه کیهان، از این هم فراتر رفته و ۳۱ شهریورماه گذشته در یادداشتی زیر عنوان «از سایه خود هم بترسید!»، از حمله اهواز به‌عنوان «فرصتی» نام برده بود که آن را «نباید نادیده گرفته و از دست داد.» او عملاً تهدید به ترور «در هر نقطه دنیا» کرده و افزوده بود: «وقتی امریکا و اسرائیل و پادوهای فکس‌نی آنها نظیر عربستان و امارات، حمله به نظامیان و زنان و کودکان را عملیات تروریستی نمی‌دانند! چرا باید مقامات و مسؤولان نظامی و امنیتی آن‌ها در هر نقطه دنیا که هستند و با هر پوششی که ظاهر شده‌اند، از آتش انتقام در امان باشند؟! مخصوصاً آن که هواداران جان بر کف ایران اسلامی در جای جای دنیا کم نیستند و جا دارد از این پس جرثومه‌های فساد و تباهی از سایه خود هم بترسند.»

روزنامه کیهان، که نقش تبلیغاتی تروریسم شخصیتی حکومت اسلامی را بر عهده دارد همچنین طی یادداشتی در روز دوم مهرماه گذشته ضمن تاکید بر «نقش قطعی» امریکا، بریتانیا، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در «اقدامات تروریستی علیه ایران» نوشته بود که «این کشورها نباید بدون مکافات بمانند.»

دستگیری چهار نفر در المان و بلژیک، از جمله اسدالله اسدی یکی از کارکنان سفارت حکومت اسلامی ایران در اتریش، به اتهام برنامه‌ریزی برای بمب‌گذاری در نشست سازمان مجاهدین خلق در پاریس در روز نهم تیرماه گذشته، یکی از پرونده‌های باز حکومت اسلامی با اتهام تلاش برای ترور مخالفان خود در اروپا است.

به‌گفته محافل امنیتی المان، اسدالله اسدی، دیپلمات ۴۶ ساله ایرانی که پس از بازداشت به مقام‌های بلژیک تحویل داده شد، متهم به جاسوسی و برنامه‌ریزی برای قتل است. به‌گفته دادستانی المان، اسدی از سال ۲۰۱۴ دبیر سوم سفارت ایران در وین بوده است.

سیاستیان کورتس، صدراعظم اتریش، روز ۱۳ تیرماه گذشته در دیدار با حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران، به موضوع دستگیری این دیپلمات ایرانی در المان اشاره کرده و خواستار توضیح حکومت اسلامی شده بود. گرچه روحانی در سخنان خود در نشست خبری با کورتس، به پرونده این دیپلمات و زوج ایرانی دستگیرشده در بلژیک اشاره‌ای نکرد، اما صدراعظم اتریش از قول ایران برای همکاری در جهت روشن شدن پرونده ابراز خرسندی کرد.

گفته می‌شود که اسدالله اسدی به‌عنوان مأمور اطلاعاتی حکومت اسلامی ایران فعالیت داشته و ۵۰۰ گرم مواد منفجره در اختیار یک زوج جوان ایرانی ساکن بلژیک که قصد بمب‌گذاری در نشست سازمان مجاهدین در پاریس را داشته‌اند،

قرار داده است. خبرگزاری رویترز نیز چهارم آبان گذشته با استناد به منابع امنیتی و دیپلماتیک، از اخراج یک دیپلمات ایرانی از فرانسه در واکنش به طرح نافرجام بمبگذاری در نشست سازمان مجاهدین خبر داده بود.

سایت مشرق‌نیوز که از آن به‌عنوان رسانه‌ای نزدیک به نهادهای امنیتی ایران نام برده می‌شود، روز ۲۶ مهرماه گذشته با انتقاد از «انفعال تاسف‌برانگیز دستگاه دیپلماسی» حکومت اسلامی در برابر بازداشت اسدالله اسدی نوشت: «طبق قوانین دیپلماتیک هرگاه یک کشور نماینده کشور دیگری را - که دارای گذرنامه دیپلماتیک است- در خاک خود به دلایل واقعی یا واهی، عنصر نامطلوب بنامد، می‌بایست او را اخراج کند. به عبارت دیگر اخراج، بالاترین سطح برخورد دیپلماتیک نسبت به‌حضور، رفتار و عملکرد یک دارنده گذرنامه دیپلماتیک است.» مشرق‌نیوز افزود که «انفعال» ایران، اروپا را در رابطه با «درخواست‌های طلبکارانه جسورتر» کرده، در حالی که «هیچ خبری از اجرای اصل عمل متقابل توسط دستگاه دیپلماسی» دیده نمی‌شود.

در دو پرونده مرتبط با قتل «محمدرضا کلاهی صمدی» و «احمد نیسی» در هالند نیز نام حکومت اسلامی مطرح شده است. رسانه‌های هالندی با استناد به سخن‌گوی سرویس اطلاعات و امنیت این کشور روز ۱۵ تیرماه گذشته از اخراج دو دیپلمات ایرانی از هالند خبر داده، اما اعلام کرده بودند که این مقام اطلاعاتی از ذکر دلیل این اقدام امتناع کرده است.

روزنامه حکومتی کیهان اما در واکنش به این خبر نوشته بود که سازمان اطلاعات و امنیت هالند در پی دعوت از سفیر جمهوری اسلامی به محل این سازمان، به او اعلام کرده که شواهدی مبنی بر دست داشتن ایران در ماجرای قتل علی معتمد (محمدرضا کلاهی صمدی) و احمد نیسی در اختیار دارد و به همین دلیل دو دیپلمات ایرانی بایستی خاک هالند را هر چه زودتر ترک کنند.

علی معتمد روز ۲۴ آذرماه ۱۳۹۴ در شهر آلمیره هالند هدف اصابت گلوله قرار گرفت و همان روز در بیمارستان جان سپرد. سپس خرداد ماه سال ۱۳۹۷ برای نخستین بار دادگاهی در هالند برای رسیدگی به اتهام دو مظنون به قتل او برگزار شد.

روز ۱۷ آبان ۱۳۹۶ نیز یک ایرانی، مشهور به احمد نیسی، در شهر لاهه هالند به ضرب گلوله کشته شد. از احمد نیسی به‌عنوان موسس و رهبر «جنبش آزادی‌بخش الاحواز» یاد شده بود. نزدیکان نیسی نیز انگشت اتهام را به سوی حکومت اسلامی دراز کرده‌اند.

وزرای امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا روز دوشنبه ۲۸ آبان سال گذشته، توافق کردند شهروندان ایرانی را که در برنامه‌ریزی برای انجام ترور در دنمارک و فرانسه نقش داشته‌اند، مورد تحریم اقتصادی قرار دهند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، از اجلاس وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل هیچ نامی یا تصمیم مشخصی بیرون نیامد ولی توافق کلی برای اعمال تحریم انجام گرفت و وزرا مشغول تهیه لیستی از افراد احتمالی هستند که باید مورد تحریم قرار بگیرند.

دنمارک اکتبر ۲۰۱۸، حکومت اسلامی ایران را به برنامه‌ریزی برای ترور اعضای جنبش عربی آزادیبخش الاحواز در خاک این کشور متهم کرد. سرویس امنیتی دنمارک در همین رابطه یک تبعه ایران را نیز دستگیر کرده است. دنمارک سپس سفیر ایران در کپنهاگ را نیز احضار کرد و همچنین سفیر خود در تهران را برای مشاوره به کشور فرا خواند.

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه حکومت اسلامی ایران، در واکنش به این موضوع، ادعا کرد که حکومت اسلامی نیز خواستار روشن شدن پرونده «حمله تروریستی در دنمارک» است و این آمادگی را دارد که با مقامات امنیتی دنمارک در این زمینه همکاری کند.

پس از طرح اتهام علیه حکومت اسلامی ایران مبنی بر تلاش آن برای ترور مخالفانش در خاک دنمارک، آندرس ساموئلسن، وزیر خارجه این کشور، گفت که با «همپیمانان و متحدان» دنمارک، از جمله اتحادیه اروپا، در حال مذاکره بر سر اعمال تحریم‌های احتمالی علیه تهران است.

با طرح اتهامات جدید دنمارک، اکنون هفت کشور اروپایی، اتریش، فرانسه، بلژیک، هالند، آلمان، دنمارک و نروژ دستکم در چهار پرونده ترور موفق و ناموفق مخالفان حکومت اسلامی، انگشت اتهام را متوجه نیروهای امنیتی این کشور کرده‌اند. چرا موتور ماشین ترور حکومت اسلامی، آن هم در شرایط فعلی، بار دیگر روشن شده است؟

با باز شدن پرونده جدیدی از اتهام تلاش برای انجام عملیات تروریستی در خاک اروپا، اکنون به‌نظر می‌رسد که حکومت اسلامی برای متقاعد کردن اروپایی‌ها در کم اثر کردن تحریم‌های امریکا با مشکلات بیش‌تری مواجه است.

احضار سفیر حکومت اسلامی ایران در نروژ و بیانیه پنج کشور اسکاندیناوی در محکومیت شدید آنچه تلاش ایران برای ترور برخی از مخالفان حکومت اسلامی در خاک دنمارک خوانده شده و نیز اصرار دنمارک برای اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران و حمایت آلمان، بریتانیا و امریکا از دنمارک نشان می‌دهد که این موضوع تا چه اندازه می‌تواند برای ایران پرهزینه و جدی باشد.

بنابراین به‌طور طبیعی این سوال مطرح می‌شود در شرایطی که حکومت اسلامی برای زنده نگه داشتن برجام و بی‌اثر کردن تحریم‌های امریکا چشم امید به اروپا دوخته است، چرا پس از مدت‌ها وقفه، آن‌گونه که کشورهای اروپایی می‌گویند بار دیگر ماشین ترور خود را حرکت انداخته و به تهدیدهای لفظی همیشگی خود، حالا جامه عمل پوشانده است؟

تمایل به حذف فیزیکی مخالفان، ریشه‌ای طولانی و عمری به اندازه حکومت اسلامی دارد و از همان فردای پیروزی انقلاب آغاز شد. در کنار سرکوب گسترده و شدید داخلی که به گریز و تبعید بسیاری از نیروهای مخالف حکومت جدید انجامید، دامنه ترور و کشتار نیز از مرزهای ایران فراتر رفت.

اگرچه در مواردی، واکنش کشورهای اروپایی به این ترورها چندان جدی و چشمگیر نبود، اما در برخی از پرونده‌ها نظیر پرونده میکونوس و ترور صادق شرفکندی در برلین، اقدامات حکومت اسلامی ابعاد جهانی یافت و حتی پای عالی‌ترین مقامات نظام از جمله علی خامنه‌ای، اکبر هاشمی رفسنجانی، علی فلاحیان و علی اکبر ولایتی به میان کشیده شد.

تنی چند از فعالین سیاسی ایرانی در سویدن ترور شدند اما هیچ‌گاه دولت سویدن اقدام جدی در رابطه با پیگیری این ترورها از خود نشان نداد.

تا آن‌جا که خبرها به رسانه‌ها درز کرده است سازمان امنیت سویدن، در سال‌های اخیر تنی چند از جاسوسان حکومت اسلامی را بی‌سر و صدا از سویدن اخراج کرده است. در حالی که در دهه اخیر چند نفر از فعالین سیاسی مخالف جمهوری اسلامی در سویدن، توسط تروریست‌های جمهوری اسلامی جان خود را از دست داده‌اند.

یک عضو حزب دمکرات کردستان ایران را در شهر بندری «نینسهامن» در حومه ستهلم، به قتل رساندند. قاتل آن دستگیر نشد.

در صندوق پستی «عفت قاضی»، در شهر «وستروس»، بمب گذاشتند که بر اثر انفجار این بمب جان خود را از دست داد. هدف تروریست‌ها کشتن همسر او «امیر قاضی» بود که از مخالفین شناخته شده جمهوری اسلامی است. هنگامی که کامران هدایتی از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران، بسته پستی را در منزل خود باز می‌کرد پاکت حاوی بمب منفجر شد و به دلیل جراحات شدید درگذشت.

غلام کشاورز، از کادرهای سرشناس حزب کمونیست ایران، تبعه سویدن، برای مادرش درخواست ویزا کرده بود که مورد موافقت مسؤولین دولت سویدن قرار نگرفت. وی، ناچاراً برای دیدار مادرش به شهر لارناکا (قبرس) رفت که در آنجا، در مقابل چشمان مادر و همسر و برادر و دیگر نزدیکانش با حمله مسلحانه تروریست‌های جمهوری اسلامی جان باخت. دولت سویدن، در این مورد کمترین اقدامی نکرد و تنها وزیر خارجه وقت سویدن، به یک اظهار تاسف بسنده کرد. سال‌ها بعد در پیگیری دادگاه ترور رستوران میکونوس در برلین که ۴ فعال سیاسی به قتل رسیدند، معلوم شد که سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان، هدایت ترور غلام را به عهده داشت.

نمونه دیگر، در نوامبر ۲۰۰۳، دو نفر با پاسپورت دیپلماتیک دولتی در سویدن، به نام‌های هوشنگ امیر مستوفی و حمید فروغی، در حال شنود و فیلمبرداری از اپوزیسیون بلوچستان ایران بودند، دستگیر و به ایران برگردانده شدند. این دو جاسوس از اعضای وزارت اطلاعات استان سیستان و بلوچستان ایران بودند و مأموریت داشتند که فعالیت جریانات و فعالین سیاسی «بلوچ» مخالف جمهوری اسلامی را زیر نظر بگیرند.

روزنامه سویدنی آفتون بلادت، درباره این جاسوسان جمهوری اسلامی، گزارش داده است که دو مرد خارجی که ظاهراً برای کار دولتی به سویدن آمده بودند دستگیر شدند. دادستان سویدن، حکم بازداشت آن‌ها را صادر کرده است. اتهام این دو مأمور دولتی، جاسوسی بر علیه پناهندگانی می‌باشد که از کشور متبوعه این دو جاسوس دولتی، سال‌ها پیش فرار کرده‌اند. پولیس سویدن، در مورد جاسوس بودن آن‌ها هیچ‌گونه شک و تردیدی ندارد. اما طبق قوانین سویدن تماس گرفتن و اطلاعات جمع کردن (جاسوسی) از پناهندگان، جرم محسوب نمی‌شود... این دو نفر تحت مراقبت پولیس هستند و قرار است که روز شنبه با پرواز مستقیم هواپیمائی ایران (هما) به تهران برگردانده شوند.

در اخبار [بلوچ ۲۰۰۰](#) نیز آمده بود که مأمورین اطلاعات زاهدان که به اسکاندیناویا رفته بودند توسط پولیس (سرویس مخفی پولیس) دستگیر شدند. ظاهراً به نظر می‌رسد که بلوچ‌هایی که با این مأمورین اطلاعات در تماس بوده‌اند، مراتب را به پولیس و پولیس مخفی سویدن اطلاع می‌دهند. حداقل دو مأمور اطلاعات رژیم که در هتلی در سویدن اقامت داشتند، اینک در بازداشت پولیس سویدن بهسر می‌پرند. گفته می‌شود که قرار است آن‌ها را به ایران بفرستند. این دو جاسوس، قبل از دستگیری به کشورهای نروژ و دنمارک نیز برای جاسوسی از بلوچ‌ها سفر کرده بودند.

با این همه، شاید واکنش دولت سویدن و سایر دولت‌های اروپای به این اقدامات و تداوم مناسبات سیاسی و اقتصادی با حکومت اسلامی، با وجود برخی فراز و فرودها، موجب شده که سران و مقامات تروریست حکومت اسلامی، بیم چنانی از پیامدهای اقدامات تروریستی خود نداشته باشند.

حتی در پی صدور فتوای قتل سلمان رشدی و فراخواندن سفیران کشورهای اروپائی از تهران، با آن‌که چنین فتوائی هرگز لغو نشد، اما مناسبات تیره دو طرف پس از مدتی رو به بهبود گذاشت.

زمانی محمود احمدی‌نژاد (اسفند ۱۳۸۵) در باره پرونده هسته‌ای حکومت اسلامی گفت: «ایران ترمز و دنده عقب قطار هسته‌ای خود را کنده و دور انداخته است.»

اگرچه در عمل، چنین نبود و این قطار هم ترمز کشید و هم عقب رفت، اما او سخنی را گفته بود که بخشی تعیین‌کننده از مبانی فکری و رفتاری تصمیم‌گیران در حکومت اسلامی بوده است: «هرگز موتور ماشین ترورمان را خاموش نمی‌کنیم»!

دولت سویدن با آگاهی از تروریسم حکومت اسلامی و همه جنایات چهل ساله این حکومت علیه بشریت، به استقبال محمد ظریف، این نماینده حکومت چهل و جنایت و ترور می‌روید تا بلکه قراردادی پر چرب و نرم با ولو، بوفوش و... انعقاد کنند! این است معنای واقعی دفاع دولت سوسیال دموکرات سویدن از حقوق بشر!

اما ایرانیان مبارزه و مخالف حکومت اسلامی، نباید این گستاخی دولت سویدن را بی‌جواب بگذارند. جواب ما این است که با برگزاری تجمعات بزرگ اعتراضی در مقابل وزارت امور خارجه سویدن در استکهلم و سایر مکانی‌هایی که قرار است ظریف برود افکار عمومی جامعه سویدن و جهان و ایران را علیه حکومت ترور و حکومت حقوق بشری جلب کنیم.

بی‌تردید دیر و یا زود حکومت چهل و جنایت و ترور اسلامی ایران با مبارزه جنبش‌های سیاسی - اجتماعی و اتحاد همه نیروها و مردم آزادی‌خواه، حق‌طلب و عدالت‌جو سرنگون خواهد شد با این وجود، هرگز شهروندان آگاه ایران، همکاری‌های نهان و آشکار اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی دولت سویدن با این حکومت جانی را فرموش نخواهند کرد!

دوشنبه بیست و هشتم مرداد [اسد] ۲۰۱۸ - نوزدهم اگست ۲۰۱۹

ضمایم:

۱- منوچهر متکی، سفیر حکومت وحشت و ترور در استکهلم رسواتر شد!

بهرام رحمانی

دهم مه ۲۰۰۷ - بیستم اردیبهشت ۱۳۸۶

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=17298>

۲- رسوائی جاسوسان جمهوری اسلامی در استکهلم!

بهرام رحمانی

دوم دی ۱۳۸۵ - بیست و سوم دسامبر ۲۰۰۶

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=16282>

۳- سفر نماینده حکومت سنگسار، اعدام، ترور، چهل و جنایت به سویدن برای حراج منابع عمومی جامعه‌مان!

بهرام رحمانی

یکشنبه- ۱۹ خرداد [جوزا] ۱۳۹۵

<https://etehad-k.com/>